

یادداشت روز

کاشف فروتن گنج‌تصویری ملی



فرزانه ابراهیم‌زاده

● «میانه یک روز عادی کاری بود. سال ۱۳۶۱ در میانه روزهایی که تهران زیر بمباران هواپیماهای عراقی بود. داشتم دنبال باقی‌مانده عکس‌های

دوره قاجاری در یکی از انبارهای کاخ گلستان می‌گشتم که چشمم به آن قوطی‌های فلزی افتاد و به سراغشان رفتم و وقتی در قوطی اول شهربار عدل آخرین روز بهار ۱۳۹۴ در فرانسه درگذشت و من با آنکه چندین سال گذشته، اما هنوز برقی را که از گفتن کلمه «گنج» در چشمانش بود، از یاد نمی‌برم؛ گنجی که هیچ‌کسی جز شهربار عدل نمی‌دانست چه ارزشی دارد. آنچه شهربار عدل در انبار کاخ گلستان پیدا کرده بود، مهم‌ترین سند تصویری ایران؛ یعنی نخستین فیلم‌های متعلق به ایران بود؛ فیلم‌هایی که چندسال بعد از اختراع دوربین سینماتوگراف توسط برادران لومیر از سفر مظفرالدین‌شاه به فرنگ گرفته و به ایران فرستاده شده بود؛ گنجینه‌ای که برای ابد در حافظه تاریخی سینمای ایران خواهد ماند حتی اگر کمتر کسی به یادش مانده باشد که کاشف فروتن این گنج پنهان چه کسی بوده است.

شهربار عدل نامی بااعتبار بود؛ اعتباری که کارهای فرهنگی‌اش برایش آورد. بیشتر کسانی که با شهربار عدل آشنا بودند، او را با حوزه تخصصی‌اش؛ یعنی باستان‌شناسی و کارهایی که برای ثبت برخی آثار تاریخی و باستانی ایران در فهرست آثار میراث جهانی انجام داد، می‌شناخند؛ تلاشی که نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت. او در روزهای آغازین انقلاب ۵۷ با وجود همه تبلیغات منفی‌ای که نسبت به ایران وجود داشت، به‌همراه چند نفر دیگر پرونده ثبتی سه محوطه تاریخی و باستانی تخت جمشید، زیگورات چغازنبیل و میدان نقش جهان اصفهان را آماده و به یونسکو ارائه کرد. اما جدا از این تلاش درخشان شاید کمتر کسی بداند که او علاوه بر دانش اموختگی در حوزه باستان‌شناسی در دانشگاه سوربن پاریس، در رشته تاریخ عمومی هنر تحصیل کرده و در زمینه‌های هنری هم اقدامات مهمی انجام داده بود. او یکی از مهم‌ترین صاحب‌نظران عکس‌های تاریخی بود. تلاش عدل برای حفاظت از عکس‌های قدیمی یکی دیگر از کارهایی بود که باعث حضورش در پروژه عکس‌های آلبوم‌خانه سلطنتی کاخ گلستان شد. داستان پیداشدن این فیلم‌ها، زمانی که هنوز سازمان میراث فرهنگی تشکیل نشده بود و وضعیت آثار باستانی ایران نامعلوم بود

را در میانه گفت‌وگویی درباره تاریخ عکاسی ایران از زبان او شنیدم. عدل در آن زمان به‌عنوان کارشناس میراث فرهنگی در کاخ گلستان باقی‌مانده عکس‌های دوره قاجار را جست‌وجو می‌کرد که این چند قوطی فلزی پیدا شد و خیلی زود معلوم شد که آن سه حلقه فیلم، فیلم جشن «اوستاند» بلژیکی است که مظفرالدین‌شاه در خاطراتش به تاریخ ۲۷ مرداد ۱۲۷۹ شمسی از آن یاد کرده و نوشته بود: «عکاس‌باشی هم مشغول عکس سینمافوتوگراف‌اندازی بود».

خیلی زود معلوم شد که فیلم‌ها با مشکلاتی روبه‌رو هستند و باید به‌سرعت مرمت و حفاظت شوند. این‌بار هم خود عدل بود که پیشنهاد داد با وجود تحریم و جنگ با شرکت فرانسوی اصلی که فیلم‌ها متعلق به آنها بود و هنوز هم فعالیت می‌کرد تماس گرفته شود.

مرمت و بازیابی این فیلم‌ها تا ابتدای دهه ۸۰

طول کشید و در نهایت مهم‌راه سال ۱۳۸۲ در مراسمی رسمی در کاخ گلستان با حاشیه‌هایی که خود عدل بر آنها نوشته و ردپایشان را در تاریخ قاجار یافته بود، به نمایش درآمد و به آرشیو ملی ایران پیوست.

پشت‌بوم

کنسرت والیبال هم منهای زنان



حسین عبدالحاشم‌پور

«سمفونی» همراه می‌کنند؛ واقعا هم تیم ملی والیبال ما شایسته این توصیف است؛ اما انتخاب کنسرت والیبال به جای سمفونی والیبال اشاره به این نکته عیان است که بر این بزم ملی سایه دلخراش یک تبعیض افتاده که بسیاری با وجود شش‌تایی‌شدن آمریکا، چندان شش‌دانگ دلخوش نیستند؛ عدم اجازه ورود به زنان فریخته ایرانی برای تماشای این مسابقه، که در حوالی جام‌جهانی فوتبال برای خواندن ترانه‌ای فوتبالی مسابقه می‌گذارند، باید تغییر مسیر دهند و به افتخار آسمان‌خراش‌های والیبالست ما ترانه سر دهند؛ والیبال با همین فرمان پیش برود باید استادبوم صدها نفری آزادی را زمین والیبال کنند.

۱- اگر تیترا این مطلب «سمفونی والیبال» می‌شد شاید برای خوانندگان محترم مأنوس‌تر

هم بود؛ در همه این سال‌ها هر اتفاقی را که

با نظم و شکوه همراه است، رسانه‌ها با صفت

عسل عباسیان؛ در این‌روزها که از آغاز ماه رمضان سپری شده و سریال‌ها و برنامه‌های مناسبی دوباره روی آنتن تلویزیون رفته‌اند، انتقاد به محتوای برنامه‌ها، بیش‌ازپیش بوده. در بین برنامه‌های مختلف، تاکنون «ماه‌عسل» و «پایتخت ۴» زیر تیغ نقد بوده‌اند. از همین‌رو در گفت‌وگویی با بهزاد فرانعی، هنرمندی که سال‌ها در تلویزیون حضور مستمر داشته و هم‌اکنون نامش در تیتراژها به چشم نمی‌خورد، دلیل افت کیفی برنامه‌های سیما را جویا شده‌ایم.

● **سریال‌ها و برنامه‌های ماه رمضان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

مدت‌هاست تلویزیون تماشا نمی‌کنم. با تلویزیون قهرم. فقط یک عده آدم را دورهم جمع کرده اعم از دوست و رفیق، که بی‌فکر و برنامه‌ریزی، دورهم جمع می‌شوند و برنامه می‌سازند و دست‌مزد‌ها را بین خودشان تقسیم می‌کنند. متأسفانه شرایط کنونی تولید در تلویزیون، شرایط خوبی نیست ، از همین‌رو مدت‌هاست تلویزیون نمی‌بینم.

● **این شرایطی که به آن اشاره کردید، چطور به وجود آمده؟**

شرایط با سوءمدیریت مسموم شده است. سنت حافظه‌ای که از دوره آقای ضرغامی باقی مانده است، اساس این شیوه، چنین است که کار را بین خودمان و رفقایمان تقسیم کنیم.

● **چرا شما هنرمندان برای بهبود وضعیت آستین بالا نمی‌زنید؟** واقعیت این است که ما تلاش کردیم و جواب نگرفتیم. از طرف خانه تئاتر به نمایندگی از دوهزارو ۵۰۰ هنرمند در نخستین روزهای انتصاب آقای شورای‌نامه نوشتیم و درخواست ملاقات کردیم تا نظراتمان را مطرح کنیم، اما ایشان ما را نپذیرفتند.

● **پاسخشان به نامه شما چه بود؟**

موضوع این است که اصلا به نامه ما پاسخی ندادند چون ظاهراً ایشان مقامشان بالاتر از آن است که به عده‌ای هنرمند پاسخ دهند! وقتی این

مرتضی اسماعیل‌دوست؛ فیلم «دریا و ماهی پرنده»

در اولین قرار پروازش به تندیس «گئورگی مقدس» رسید تا ماهی بی‌قرار غفارزاده چندروزی در دریای مسکو قرار گیرد؛ فیلمی که هنوز به زمانی قطعی برای همیشینی با پرده تماشای مخاطب ایرانی نرسیده است. به بهانه دومین اثر سینمایی مهرداد غفارزاده، با او هم‌کلام شدیم.

● **چرا مسکو را برای اولین حضور خارجی فیلم در نظر گرفتید؟**

جشنواره مسکو یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های جهانی است که اعتبار بالایی در سطح بین‌المللی دارد. این جشنواره از ابتدا یکی از مهم‌ترین گزینه‌های ما بود. البته ما برای کن و برلین و جشنواره‌های الف دیگری هم پیش‌قدم شدیم که فیلم پذیرفته نشد. به‌هرحال، انتخاب فیلم «دریا و ماهی پرنده» در میان ۱۲ فیلم جشنواره، بسیار مهم بوده و می‌تواند منجر به دیده‌شدن اثر در سطح جهانی شود.

● **حضور در جشنواره‌های خارجی را چگونه دیده و جقدن تمایل به نمایش فیلم در خارج از کشور دارید؟**

من سال‌ها پیش می‌توانستم همراه با آثار کوتاه و مستند خود وارد این عرصه شوم، اما همیشه علاقه‌مند بودم با آثار بلند خود اولین حضورم را در فستیوال‌ها اعلام کنم. مثلاً در همان روزهای ابتدایی زلزله دلخراش یم از طرف شبکه دوم، دوربین‌به‌دست وارد آنجا شدم و فیلمی ساختم که در جشنواره شیکاگو و چند جشنواره پذیرفته شد که با توجه به دلیلی که عنوان شد، خیلی آن را جدی نگفتم. فیلم «گیرنده» هم با توجه به اینکه دیرتر از زمان مقرر اقدام کردیم، نتوانست در جشنواره‌ها حضور پیدا کند. البته این فیلم برای جشنواره برلین انتخاب شده بود که به‌دلیل اینکه مرکز گسترش

تأمل

امروزی هستیم؟



علی فرامرزی

نگاه به منطقه جغرافیایی‌ای که در آن قرار داریم می‌توانیم نمونه‌هایی چند را بباییم و مورد مطالعه قرار دهیم. کمبود یا نبود هریک از این اسباب ضروری، هم می‌تواند وقفه‌ای را در سایر بخش‌ها باعث شود و هم خواسته‌ها و توقعاتی را به وجود آورد که در بسیاری از موارد ممکن است چندان صحیح و منطقی به نظر نیاید. چندسالی است که بی‌نپال تجسمی تهران تعطیل شده؛ اتفاقی که تجربه‌های متفاوتی را از سر گذراند و می‌رفت تا به یک زمینه مساعد برای بررسی و مقایسه کیفی آثار نقاشی تبدیل شود، ضمن اینکه در دوره‌هایی توانسته بود وسیله شناخت و معرفی تعدادی از استعداد‌های حیوان را فراهم آورد. اینکه چه عواملی آن را به تعطیلی کشاند، مربوط به گذشته است؛ آنچه امروز ضرورت است، برپایی و برگزاری مجدد آن است. مسئولان تجسمی و نقاشان در برابر وظیفه‌ای قرار گرفته‌اند که در صورت ندیدن یا شانه‌خالی‌کردن از آن، باید در برابر جامعه تجسمی پاسخ‌گو باشند.

برنامه‌های تلویزیون، ارزان هم تمام می‌شود. تولیدات را بالا می‌برد و مخاطبی که طی این سال‌ها از تلویزیون بریده و به سمت ماهواره گرایش داشته را باز به سمت تماشای تلویزیون می‌کشاند.

● **دلیل قهر مخاطب تلویزیون و گرایشش به ماهواره را چه می‌دانید؟**

انحصاری‌بودن تلویزیون. امروزه برنامه‌سازی و تولید محتوا در این رسانه، انحصاری یک عده افراد خاص است. که اغلب رفیق‌اند و سلاقی شبیه به هم دارند و سلیقه‌ای که شبیه خودشان نباشد را نمی‌پذیرند. امروزه اگر به کارهای دهه ۷۰ که من و دوستانم در این حرفه در آنها حضور داریم، رجوع کنید و مقایسه کنید با برنامه‌های کنونی، متوجه این تفاوت چشمگیر می‌شوید. آن زمان ژانرهای گوناگون، افراد متفاوت و سلیقه‌های مختلف در برنامه‌سازی وجود داشت، اما امروز تولید محتوا هم، مثل مدیریت اختصاصی است، یعنی فقط به عده‌ای خاص اختصاص دارد.

● **چطور می‌توان این انحصار را از بین برد؟** از بین‌بردنش که دست مدیران است. آنها باید تصمیم بگیرند. اگر می‌گویند این رسانه، رسانه ملی است، بی‌شک هنرمندان ملی همه باید در آن سهمی باشند. چنانچه تلویزیون تولیدکنندگانی از نحل‌های مختلف فکری و اندیشه را نداشته باشد، مخاطبش – مثل همین حالا- می‌رود پشت «حریم سلطان» در ترکیه.

● **اما چه چیزی باعث شده مخاطب، سریال‌های پرزرق‌وبرق ماهواره‌ای را به برنامه‌های تلویزیون ترجیح دهد؟** وقتی ما در تلویزیونمان، کار خوب و سالم و بدون ایراد تحویل ندهیم، به این وضع دچار می‌شویم. مقصر خود ماییم که اثر وزین تولید نمی‌کنیم و مخاطب بنا به نیازش می‌رود سمت همان برنامه‌های پرزرق‌وبرق تلویزیون‌های بیگانه.

به‌همراه تهیه‌کننده فیلم حضور خواهیم داشت.

● **همان نسخه‌ای که در جشنواره فجر به‌نمایش درآمد را به مسکو برده‌اید؟**

خیر. تغییراتی در فیلم نسبت به جشنواره فجر صورت دادم. مثلاً سکانس بازرس کانون را درآورده و چند سکانس به فیلم اضافه کردم تا روند مساعدتری بیابد. البته با توجه به یک رجوع ابتدایی به فیلم‌های این دوره، به‌نظم «دریا و ماهی پرنده» می‌تواند میان ۱۲ فیلم جشنواره به‌لحاظ موضوع و تم اثر مورد توجه قرار گیرد.

● **سینمای شما در مرز آثار تجاری و هنری گام برمی‌دارد و دو فیلم بلندتان به‌لحاظ فرمی کاملاً متمایز است. چقدر دلتان به بیکری چه نوع سینمایی علاقه‌مند هستید؟**

من خواستم به دیگران بگویم که می‌توانم در سینما هم قفسه بگویم و بعد به‌درجی فرم‌های اوناکارد خود را نشان دهم. الان طرحی دارم که قرار است در آمریکای لاتین تهیه شود و طرح غیرمتعارفی روی خط استوا است. مقدمات کار تقریباً در حال انجام است و یک شرکت اتریشی هم علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری شده است. به‌دنبال این هستم که سیاست خاصی را در فرم‌گرایی نشان دهم و در سال‌های بعدی بتوانم در فضاهای خلوت‌تر فیلم بسازم. البته موضوع فیلم‌ها با توجه به شرایط و فضای ذهنی پیش می‌آید و چیدمان خاصی برای آن ندارم، چراکه خیلی از موقعیت‌های فیلم‌سازی در ایران دست شما نیست.

● **فیلم آینده‌تان هم که هنوز بی‌سرانجام است.** دو سالی است که به‌دنبال ساخت فیلم «من زنده‌ام» با نام جدید «روزهای مرد مرده» هستم که اثری اجتماعی است و به «گیرنده» نزدیک‌تر است. فیلمی است که به موضوع پارانها ارتباط دارد و متأسفانه هنوز سرانجامی نیافته است.

● **اکران فیلم «دریا و ماهی پرنده» هم با توجه به علاقه‌مندی‌تان در گروه هنر و تجربه خواهد بود؟** من به بخش هنر و تجربه علاقه‌مندم و به‌نظم فیلم «دریا و ماهی پرنده» می‌تواند در این بخش قرار گیرد. اگرچه در جشنواره فجر شنیده‌ام‌ها این بود که فیلم من در ابتدا برای سودای سیمرغ انتخاب شده بود و مورد توجه هیات انتخاب هم قرار داشت و به دلایلی نامشخص در لحظه آخر از این بخش خارج شد.

چهره روز

بهرام رادان و رضا یزدانی در یک جشن تولد

آرزوهای خوب «کیانیان» برای ایران



● **شرق:** رضا یزدانی، شمع کیک ۶۴ سالگی رضا کیانیان را فوت کرد. او در جشن تولدی که یکشنبه ۳۱ خرداد برای این بازیگر تئاتر و سینمای ایران در «مکتب تهران» برگزار شد، ترانه‌های «کوچه ملی» و «جاده چالوس» را به این هنرمند تقدیم کرد. علاوه بر اجرای زنده رضا یزدانی، بهرام رادان، بازیگر سینما، هم درباره رضا کیانیان گفت. رضا کیانیان در این مراسم با آرزوهای خوب برای کشورش، کیک تولد ۶۴ سالگی‌اش را برید و از همسرش که در مراسم حاضر بود، به پاس سال‌ها همراهی‌اش در زندگی مشترک قدردانی کرد. این مراسم در حیاط کوچک پلاتوی «مکتب تهران» برگزار شد که پس از این جشن میزبان نمایش «انگار در چشم‌های تو اسب می‌دود»، با بازی بهاره رهنما بود. کیانیان همچنین گفت: از برنامه‌ای که برای روز تولدش چیده شده بود اطلاعی نداشتیم و تنها برای تماشای نمایش آمده است. او همچنین مطرح کرد: من به کسی جز خودم و خانواده‌ام تعهد ندارم و اگر کار می‌کنم، به‌خاطر لذت شخصی خودم است. رضا کیانیان بعد از خاموش‌کردن شمع‌های روی کیک با خنده گفت: «تازه شد ۶۴! کیانیان، بازی در سینما را از سال ۱۳۴۸ با فیلم «تمام و سوسه‌های زمین» مرحوم حمید سمندریان آغاز کرد و درحال حاضر نیز فیلم «پنج‌تایی»، ساخته تارا اوتادی، با بازی او در گروه هنر و تجربه در حال اکران است.

زیر آسمان فیروزه ای

ثمینی کارناوال «اعتراف» را به مکتب تهران می‌برد



● **شرق:** نغمه ثمینی از برگزاری ششمین دوره کارناوال «اعتراف» به‌همراه تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران، در مکتب تهران خبر داد. نغمه ثمینی، استاد دانشگاه تهران که این‌روزها نمایش «سه جلسه تریای» را به‌کارگردانی افسانه ماهیان روی صحنه دارد، درباره این کارناوال گفت: «کارناوال «اعتراف»، ششمین دوره کارگاه‌های مونولوگ است. چهار دوره اول آن را در دانشگاه برگزار کردم. سال گذشته به این فکر افتادم که آن را از محیط دانشگاه بیرون ببرم، بنابراین در تماشاخانه «آو» برگزار شد. ما در شش شب بازخورد خوبی از این پروژه گرفتیم، البته کارها در حد اعلا نبودند و ما هم انتظار آن را نداشتیم، چراکه اکثر دانشجویان برای اولین‌بار اجرا می‌کردند. مهم‌ترین تأثیر آن، لذت مواجهه با تماشاگر بود.» او ادامه داد: «مسئال با کلاسی روبه‌رو شدیم که بسیار مشتاق و پرکار بودند و از یادگرفتن خسته نمی‌شدند. آن‌قدر انرژی آنها با من هماهنگ بود که تصمیم گرفتم یک‌بار دیگر این کار دشوار را انجام دهم.» ثمینی با اشاره به اهمیت برگزاری این کارناوال با توجه به سختی‌هایش توضیح داد: «اجرا بخش مهمی از آموزش نمایش‌نامه‌نویسی است. زحمت زیادی دارد، اما تحمل سختی این کار، برای نسلی که می‌خواهند وارد جامعه حرفه‌ای شوند، ارزش دارد. از سوی دیگر، می‌خواستم چه‌جا با فضای حرفه‌ای‌تر تئاتر آشنا شوند، چراکه آنها همیشه فرصت اجرا در دانشگاه را دارند، اما این اتفاق فرصتی استثنایی برای آنهاست، همچنین اجرا در دانشگاه نسبت به محیط حرفه‌ای‌تر با محدودیت‌هایی روبه‌رو است.» او در پایان سخنانش تأکید کرد: «این کارناوال صدای متولیدان دهه ۷۰ است.»

تماشاخانه

تقدیم یک نمایش به قهرمانان والیبال

● **شرق:** اجرای روز یکشنبه ۳۱ خرداد نمایش «هیچ‌کس نبود بیدارمان کند»، به‌کارگردانی پیام دهکردی روی صحنه رفت و در پایان این نمایش، پیام دهکردی اجرای این نمایش را به قهرمانان تیم‌ملی والیبال ایران تقدیم و برای این تیم آرزوی موفقیت روزافزون کرد. این نمایش روایت زندگی خانواده‌ای است در سال‌های دهه ۳۰ و روایتی از انسان معاصر و پنج‌هاش... لازم به ذکر است بازیگران این نمایش فریا متخصص، الهام پناه‌زاد، رضا مولایی، پیام دهکردی، خاطره حاتم، محمدرضا علی‌اکبری، عارفه لک، نیکی نصیریان، نیلوفر دربندی و آماندا موسوی هستند. نمایش «هیچ‌کس نبود بیدارمان کند» از ۱۸ خردادماه ه‌رشب ساعت ۲۱ در تماشاخانه باران روی صحنه می‌رود.

عکس: امیر حسین یفتی‌نوی